

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفت شناسی

دکتر پیروز فطوریچی

جلسه ی پنجم

1383/8/17

یک نکته در باب روش شناسی معرفت شناسی معاصر

از اشکالهای مشترک به بسیاری تحلیل ها از جمله تحلیل درتسکی این است که این تحلیل ها ناظر به واقع معرفت و آنچه شهودا از آن فهم میشود نیستند. در برابر این سخن چند نکته میتوان گفت: یکی آنکه این بحث تا حدودی بحثی فرامعرفت شناختی است، یعنی این بحث که آیا روش معرفت شناسی معاصر درست است یا درست نیست، مثلا از رویکردهای متاخر در معرفت شناسی، رویکرد طبیعت گرایانه کواین است که اگر چه نظر وی چون افراطی بود و اساسا معرفت شناسی را در ذیل زبانشناسی میدید پذیرفته نشد، ولی اصل نظرگاه وی تا حدود بسیاری در پس از وی موثر بوده است. در همین رویکرد فعلی معرفت شناسی نیز این گونه نیست که همه جا در تحلیل ها باید به واقع امور نظر داشت، این که در چه قسمتهایی با تحلیل صرف روبرویم و در چه قسمتهایی باید تحلیلهایمان ناظر به واقع باشد، بحث جداگانه ای را می طلبد .

نکته آخر هم این است که بحث هر معرفت شناس یا فیلسوفی میتواند مسبوق به تحلیلهای پیشتر او بوده باشد مثلا گلیبرت رایل در فلسفه ذهن ابتدا مفهوم ذهن را تحلیل میکند و نشان میدهد که این مفهوم نشانگر وجود یک وجه غیر مادی در انسان نیست و دیگر بحث وی در رابطه ی ذهن و بدن ناظر به

تحلیلی است که پیشتر از مفهوم ذهن داشته است. در معرفت شناسی نیز همین گونه است و مثلاً ابتدا مفهوم معرفت مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد و بعد از آن در بحثهای بعدی مانند تقسیم معرفت پسینی و پیشینی، همین اعتبار پیش گفته از معرفت مورد نظر است.

ادامه ی سخن در باب نظریه ی درتسکی در تحلیل معرفت

1. توجه به خصیصه ی موارد

بحث بعدی در مقاله درتسکی بحثی است تحت عنوان توجه به خصیصه ی موارد، این بحث را در Testimony پی میگیریم. بسیاری اوقات این گونه است که در تعامل با دیگران متوجه این میشویم که فردی به صورت عمومی گزاره هایی که بیان میکند قابل اعتماد کردن است، ولی همین فرد در حالتی خاص مثل زمانی که عصبانی است، گزاره هایی که در موضوعی خاص بیان میکند مورد اعتماد نیست. مثال خود درتسکی در سیاق گزاره دوم این است که جان نمی گفت باران میبارد، اگر باران نمیبارد. حال فرض کنید افرادی که در اکثر شرایط قابل اعتماد هستند، در غیر آن شرایط و در موارد خاص، دروغ میگویند، مثلاً وقتی در مورد آب و هوا حرف میزنند. به نظر درتسکی در فرض احتمال های بدیل، به این خصیصه باید توجه داشت یعنی هم شرایط و هم خصیصه مورد هر دو باید لحاظ شود، هم اینکه چه کسی میگوید و هم اینکه در چه زمینه ای میگوید هر دو مهم است.

2. امکان خطا و معرفت

بحث بعدی بحث امکان خطاست، این که آیا در معرفت امکان خطا چه جایگاهی دارد و قابل جمع با معرفت است یا نیست. درتسکی این بحث را در نسبت میان گزاره (2) و (3) پی میگیرد. در بیان وی اگر کسی منکر گزاره (2) شود، یعنی انکار پیوند میان q و r را کرده باشد این به معنای قائل شدن به گزاره (3) است نه گزاره (4)، گزاره (4) قوی تر از گزاره (3) است. در انکار هر گزاره ای، اعتقاد به نقیض آن موجه است و نقیض گزاره (2) گزاره (3) است و نه گزاره (4) که با گزاره (2) تقابل دارد نه تناقض. تقابل اعم از تناقض است، و در آن صرفاً اجتماع محال است نه ارتفاع، به خلاف تناقض که هم ارتفاع و هم اجتماع هر دو محال است. و نوع تقابل هم در اینجا تقابل تضاد است.

به ترتیب گزاره های (2) تا (4) را بیان میکنیم ، (2): اگر r تحقق داشته باشد لازمه اش عدم امکان تحقق p است یا P امکان پذیر نیست. (3): اگر r تحقق داشته باشد ، امکان نقیض (p) وجود دارد، (4): اگر r تحقق نداشته باشد نقیض (p) وقوع یافته است.

در باب کلمه امکان ، توجه به دو قسم امکان یعنی عام و خاص و تشخیص هر کدام و دریافت معنای ضرورت در تقابل با هر یک لازم است. ضرورت در این جا مطلقه است نه منطقی، ازین نظر در جملات بالا عدم امکان به معنای ضرورت نیست.

غیر از فرقی که در ناحیه تقابل و تناقض میان گزاره (3) و (4) وجود دارد، فرق دیگر این است که گزاره (4) قوی تر از گزاره (3) است، چون در (3) امکان نقیض (p) است ولی در (4) نقیض (p) واقع شده است. درتسکی سخنش را در قالب مثالی نیز بیان میکند. مثلا R این است که من آن بخت آزمایی را میبردم اگر (P) دو بلیط میخریدم . اگر این پیوند میان (P) و (R) نقض شود، نتیجه ی این تعهد به (4) نمیشود که «شما این لاتاری را میبختید حتی اگر دو بلیط میخریدید» بلکه نقض P و R ، به معنای انکار ارتباط میان خرید دو بلیط و برنده شدن است نه آنکه بیان باختن، حتی در فرض خرید دو بلیط که مدعای قوی تری است. لذا گزاره (3) که بیان نقض پیوند میان (P) و (R) است، این میشود که شما ممکن است حتی با خرید دو بلیط هم در بخت آزمایی موفق نشوید، این با گزاره (2) که بیشتر بیان شد و پیوند میان (P) و (R) را بیان میکرد تناقض دارد و مدعای ضعیفتری نسبت به گزاره (4) را ابراز میکند.

بعد از بیان این مقدمه به اصل بحث باز میگردیم. درتسکی میگوید انکار پیوند میان (P) و (R) که اصل پیوند در معیار پیشنهادی درتسکی ، نشانه معرفت است، منافی با احتمال نقض گزاره دوم است و معرفت با فرض و ورود احتمال هایی در عرض خود ناسازگار است، نه باور به طرف مقابل گزاره مورد ادعا که (2) است، یعنی آن چه با معرفت منافات دارد احتمال وقوع خطاست نه وقوع خطا. یعنی احتمال کذب منافی معرفت است و نتیجه سخن این میشود که در معرفت خطا امکان پذیر نیست. بحث بعدی درتسکی این است که رویکرد مورد نظر به بحث امکان و امتناع ، رویکرد عینیت گرایانه است نه ذهنیت گرایانه و امکان و امتناع و ... وصف واقعیت های خارجی است نه درک گوینده .

3. داوری در باب نقدها به درتسکی

در این قسمت درتسکی سخنی را میگوید که از بزنگاههای بحث محسوب میشود و در داوری ناظر به نقدها نسبت به درتسکی دقت به آن بسیار ضروری است. درتسکی در اینجا بیان میکند که آیا امتناع و امکانی که از آن سخن گفتیم، عام است یا خاص؟ مراد از عام و خاص معنای منطقی آن ها نیست و مراد فراگیر یا محدود بودن آن است. آنچه تا کنون از کلام درتسکی بیان شد موید خاص بودن و محدود بودن است ولی درتسکی در اینجا سخن قابل تاملی میگوید، بیان وی این است که اغلب وقتی امکان و امتناع را مطرح میکنیم مراد از آن معنایی وسیع تر از موارد خاص و محدود است. این «اغلب» به نظر هم سخن دقیقی نیست و هم با سخنان دیگر درتسکی سازگار نیست، هرچند سعی میکند آن را سازگار کند.

مثلا در همان مثال دماسنج، از نشان دادن درجه نرمال نمیتوان به مریض نبودن کودک پی برد، چون در این جا احتمالات و بدیلهایی قابل طرح است از جمله اینکه دماسنج معیوب باشد یا در دهان کودک قبل از قراردادن دماسنج مقداری یخ بوده است و ... درتسکی در تحلیل های خود، معمولا طرح احتمالات را محدود میکند به مجموعه خاصی از شرایطی که در واقعه های خاصی رایج هستند و این احتمالات میتوانند مطرح باشند. در فرض مطرح بودن احتمالات در مثال دماسنج نمیتوان طبق معیار درتسکی در اینجا معرفت داشت چون ممکن است با بودن (r) درجه حرارت مشخصی (p) نباشد (نرمال بودن وضعیت فرد)، ممکن است شرایط به گونه ای باشد که در موقعیتی در مورد سنجش دماسنج آن احتمالات مطرح باشد و در موقعیت دیگری مطرح نباشد، این بسته به شرایط است. در فرضی که مراد از امکان و امتناع عام باشد، این فرضهای بدیل همیشه مطرح خواهند بود ولی با لحاظ امکان محدود و خاص دیگر همیشه در فرضهای بدیل باید لحاظ مورد و موقعیت مورد بررسی را کرد و مطرح بودن یا نبودن فرض های بدیل را بر اساس آن سنجید.

اساسا در اراده معنای عام از امکان و امتناع دیگر نمیتوان به امری معرفت داشت و معیار بسیار سختگیرانه ای میشود. در اینجا در مجموع درتسکی سخنان سازگاری ابراز داشته است، اگر چه آن کلمه و قید غالبا تا حدودی با این تفسیر سازگار قابل دفاع از او همخوان نیست. بسیاری از اشکالها به درتسکی به همین

قسمت سخن او بوده است. مثلا پویمن و وارگن و بسیاری دیگر اشکالشان به درتسکی این است که ما غالبا در وضعیتهایی، معرفت را به افراد نسبت میدهیم که ادله قاطع از آن نوعی که درتسکی لازم میدانند را واجد نیستیم. ما ادعا میکنیم دارای قلب و کلیه هستیم، اذهان دیگری غیر از ذهن ما وجود دارد، آب در صد درجه سانتیگراد در فشار سطح دریا به جوش می آید، ما روزی خواهیم مرد و برخی باورهای حافظه ای یا مبتنی بر شهادت و گواهی دیگران نیز همین گونه است. طبق معیار درتسکی هیچ کدام از موارد یاد شده نباید معرفت باشند، زیرا در همه این ها احتمال خطا وجود دارد و میتوان فرض های بدیل را در هر یک از معرفت های یاد شده بیان کرد. همین نقد در مقاله معروف دلایل قاطع علیه دلایل پاپاس و سوین نیز آمده است البته در آنجا این دو از روی انصاف میگویند که معیار درتسکی در مورد برخی معرفتهای حسی مانند معرفتهای از راه بینایی کارایی دارد.

برخی در مقام بحث از گتیه سخنی گفته اند که میتواند دفاعیه ای برای درتسکی نیز باشد، این عده میگویند یا باید مساله گتیه را جدی گرفت که نتیجه اش ارائه معیاری برای معرفت است که سختگیرانه است یا اینکه اساسا باید مساله گتیه را جدی ندانست. درتسکی هم با معضلی که مواجه بوده و همان باعث شده تا حدودی ناهمخوانی سخن بگوید این است که هم از سویی میخواستند معیاری ارائه کند تا پاسخ گوی اشکالات گتیه باشد و هم از سویی لحاظ شهود را در گزاره های معرفتی کرده باشد. در پانویس مقاله درتسکی به انگیزه اش از ارائه معیاری برای معرفت اشاره میکند و میگوید شما موقعی به چیزی معرفت دارید که این معرفت شما براساس یک دلیل و توجیهی باشد که قاطع باشد یعنی در آن گزاره (2) صادق باشد و نسبت یاد شده میان (P) و (R) وجود داشته باشد. البته برخی افراد مثل ماکس کیلان و مایکل ویلیامز و آدریان پیچکاک معضل گتیه را جدی نمیدانند.